

روایهای شی جین پینگ

شی جین پینگ خواهان نظم نوین جهانی با محوریت تجارت چین است

پکن به دنبال اصلاح مجدد جهانی سازی و چندجانبه گرایی خواهد بود به گونه ای که آنها در خدمت منافع آن باشند. برنامه های چین بر یارانه دادن به صادرات برای تسلط بر تولید و تجارت جهانی متمرکز است

به گزارش گروه اقتصاد پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت، در اکتبر ۲۰۱۷، شی جین پینگ اعلام کرد که جهان در حال تجربه "تغییرات بزرگی است که در صد سال گذشته دیده نشده است". او اغلب از این عبارت استفاده می کند، وقایع قرن پیش، رویدادهای پر فراز و نشیب پایان جنگ جهانی اول است، که انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، فروپاشی امپراتوری های اروپایی و ظهور ایالات متحده به عنوان یک قدرت بزرگ را نشان داد. از طریق مداخله قاطع خود در جنگ. در قرن پس از آن، ایالات متحده بر سیستم بین الملل تسلط یافت و تهدیدات آلمان نازی، ژاپن امپراتوری و اتحاد جماهیر شوروی را برای برتری خود شکست داد.

برای شی، تاریخ جهان در حال حاضر دستخوش تغییری بسیار مهم است. همانطور که او می بیند، افول ایالات متحده، «ناکارکردی» سیاسی آن، تغییر ساختار قدرت جهانی و ظهور چین، همگی روندهای برگشت ناپذیر و درهم تنیده ای هستند که با قوانین نظریه مارکسیستی تاریخ قابل توضیح هستند. جهان بینی او در کتاب جدید کوین راد، "درباره شی جین پینگ: ناسیونالیسم مارکسیستی شی چین چگونه چین و جهان را شکل می دهد" که باید توسط متخصصان، عموم و مقامات ترامپ در آینده به طور یکسان خوانده شود، به طرز فوق العاده ای تحلیل شده است.

شی معتقد است که جزر و مد تاریخ در جهت چین در حال جریان است و به دلیل «ظهور شرق و افول غرب» می توان نظم جهانی جدیدی با چین در مرکز آن شکل داد. این یک دوره جدید خواهد بود. این بدان معنا نیست که چین مانند اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد به دنبال سلطه بر جهان خواهد بود. بلکه به دنبال اصلاح مجدد جهانی سازی و چندجانبه گرایی خواهد بود به گونه ای که در خدمت منافع آن و منافع کسانی باشد که خود را با چین همسو می کنند.

شاید شی اشتباه می کند. تئوری تاریخ او ناقص است. تز او مبنی بر اینکه غرب در حال افول است، ایده خوشبینانه است، نه تحلیل آگاهانه. سختگیری ایدئولوژیک و تحلیلی او مانع از آن می شود که تله ای را که برای چین در رابطه با زیربنای اقتصادی قدرت چین می چیند ببیند.

چین نمی تواند از نظر اقتصادی بر وزن کل ایالات متحده، اروپا، ژاپن، هند، بریتانیا، استرالیا، کانادا، کره جنوبی و دیگران چیره شود، اگر با هم کار کنند. این امر به ویژه در شرایطی که آنها به طور فزاینده ای از افزایش مداوم صادرات یارانه ای سنگین چینی کالاها، قطعات و مواد ساخته شده منحرف می شوند. ایجاد مازاد ظرفیت تولید یک استراتژی عمدی برای تمرکز قدرت صنعتی در چین بوده است. توسعه اقتصاد مبتنی بر خدمات در چین را متوقف کرده، تجارت جهانی را مخدوش کرده، پایگاه های صنعتی غرب را خالی کرده و صنعتی شدن جنوب جهانی را مختل کرده است.

اگر شرکای آمریکایی از تعرفه های پیشنهادی دونالد ترامپ با اعمال تعرفه های مشابه و سایر اشکال محدودیت های دسترسی به بازار و با مقابله با یارانه های چینی، دامپینگ و استراتژی های قیمت گذاری غارتگرانه، از تعرفه های پیشنهادی دونالد ترامپ استفاده کنند، می توان تسلط چین بر تولید جهانی را شکست. تعرفه های ترامپ اگر با دوستان هماهنگ شود تا چین نتواند با سیل در بازارهای دیگر آنها را دور بزند، بهترین نتیجه را خواهد داشت. این امر مستلزم تقویت ردیابی زنجیره تامین است تا چین نتواند این سپرهای تجاری را از طریق راه حل های کشورهای ثالث دور بزند.

از طریق یک استراتژی هماهنگ صنعتی، سرمایه گذاری و هماهنگی مالی، تجارت جهانی می تواند مجدداً متعادل شود به طوری که چین از نظر اقتصادی تحت فشار قرار گیرد تا ظرفیت مازاد خود را به کشورهای فوق الذکر واگذار کند. برخی نیز به کشورهای کمتر توسعه یافته مانند ویتنام، اندونزی، مالزی، تایلند، آرژانتین، مکزیک و ترکیه می روند. چین با نشستن بر باند تولید جهانی، مانع از رشد چنین کشورهایی می شود. ایالات متحده می تواند تولید با ارزش بالاتر و ملی را احیا کند و در عین حال به گسترش تولید کم ارزش در اقتصادهای بیشتر کمک کند.

ایالات متحده و کشورهای همفکر باید اطمینان حاصل کنند که چین به فناوری های جدید حیاتی که باعث افزایش و حفظ بهره وری بالاتر می شوند، مانند هوش مصنوعی، رباتیک و محاسبات کوانتومی، به راحتی دسترسی پیدا نمی کند، یا آنها را نمی دزدد. قدرت مالی ایالات متحده، از جمله وضعیت جهانی دلار آمریکا و خزانه های ایالات متحده، چین را بیشتر به چالش می کشد.

وضعیت داخلی چین به دلیل کاهش جمعیت، مشکلات ساختاری اقتصادی (مانند بدهی گسترده و سرکوب پویایی بخش خصوصی خود) و وابستگی آن به انرژی، منابع و مواد غذایی وارداتی خطرناک است. احتمال فروپاشی چین بیشتر از آن است که به برتری جهانی برسد.

برای ایالات متحده، چشم پوشی از چالش چین، از جمله از طریق جنگ تجاری، پیش نیازی برای عظمت در قرن دوم آمریکا است. اگر بتواند چنین استراتژی را اتخاذ کند، اقتصاد خود را مجدداً صنعتی کرده و ساختار تجارت جهانی را به گونه ای تنظیم می کند که دیگران نیز از آن سود ببرند، به هزینه چین. تغییرات بزرگی در جریان است که در صد سال گذشته دیده نشده است - اما آنهایی نیستند که شی جین پینگ فکر می کند در حال رخ دادن هستند.

مایکل پزولو معاون سابق وزیر دفاع استرالیا است و تا نوامبر ۲۰۲۳ وزیر امور داخلی این کشور بود.